

منبع : حزب کمونیست آلمان

برگردان : داؤد اسعد

سرمایه داری چرا زوال نمی یابد،

مقدم از همه، بحران هم به همین گونه

تیزس ها در مورد آینده نزدیک سرمایه داری

۱: فکتورهای بحران

مودل نیولیبرال پاسخ سرمایه داری به "نابکارایی" فوردیزم در اواخر سال های شصت بود. نرخ منفعت بری سرمایه تقلیل یافت، آنچه به "دولت اجتماعیگرا" ویا "دولت رفاه همگانی" تعلق گرفت، این بود که بهره کشی فزاینده تا حدودی باعث افزایش درآمد انسانهای مشغول به کار هم شد. برای آنکه نرخ بهره کشی را افزود، بایست مخارج تأسیسات ودر قدم اول مخارج کاررا تقلیل بخشید. به این ترتیب بازار داخلی به ضعف مواجه شده و باعث فروکشی آن تقاضا ییکه تا حال در سطح عالی قرار داشت، گردید. راه برونرفت را در آن جستجو کردند، تا برای بازار جهانی تولید کنند، که البته همه کشورها این امکانات را در اختیار نداشتند. در نهایت این امر باعث شد تا تولید اضافی در یک بخش، رکود در بخش دیگر تولیدی را وسیله شود. این "بازارمراجعه جهانی" ایالات متحده آمریکا بود. این کشور به توريد قسمت زیادی از کالاها پرداخت و آنرا از کشور هاییکه به صدور اضافی مجبور بودند، بدست آورد. بدین ترتیب خود را مقروض آنان ساخت.

مجموع سیستم نیولیبرال براساس اصل "عدم توازن بین المللی" و مقروض شدن هرچه بیشتر ایالات متحده آمریکا استوار بود. مؤثریت تقاضا در ایالات متحده آمریکا قبل بر همه خواست مصرف کننده گان بود که قوه خرید را از درآمد خود نه، بلکه از کریدت ها بدست آوردند.

هنگامیکه این زنجیرهٔ قرضداری درحلقهٔ ضعیف خود، یعنی کریدت های ساختمانی از هم گسست، باعث فروپاشی همگانی این سیستم گردید. البته مطلب صرفاً روی کریدت های ساختمانی نمی چرخید، بلکه این سیستم خود روی بیمه های بدون پشتوانه (Credit Default Swaps) استوار بود. کریدت ها همه به حیث اسناد بهادار با بیمهٔ عدم پرداخت به فروش رسیدند. صرفاً بیمه ایالات متحده (AIG) کریدت های بانکی و اعتبارات را به ارزش ۶۲ بلیون دالر بیمه نموده بود، بدون آنکه ارزش متقابل آنرا از دیدگاه بیمه کردن متناظر ساخته باشد. یک سیستم فریب دهندهٔ نابکار که رهبران سیاسی و اقتصادی، چند دهه متمادی آنرا بکار گرفتند. اشیگل مجلهٔ چپ نیست و در زمینه می نویسد: مرزبندی میان سرمایه داری جهانشمول و جنایات سازمان یافته سراغ نمیشود.

۲: آیا سرمایه داری به انجام خود رسیده ؟

سرمایه داری به هیچ وجه به انجام خویش نرسیده است. سرمایه داری بیشتر از پیش سعی می ورزد تا رکود اقتصادی را به کمک دولت برای احیای ظرفیت های اساسی بحران مورد استفاده قرار دهد.

دو طریقه در برابر ما قرار دارد. از یک طریق سرمایه داری قرضداری ها و اختلاس بی مانند را به دوش مردم میگذارد و بعد از آنکه همه امکانات فردی مکیده شد، به امکانات هر چه بیشتر و وسیعتر یعنی مالیات دست می برد. واز طریق دیگر سرمایه داری با به کار بست همین مالیه پردازان یک بخشی از تراکم اضافی راکه همانا در تناسب میان تقاضای ضعیف و ظرفیت های بزرگ قرار دارد، از میان بر میدارد. جامعه (مردم) یکبار این "رکود" را در بخش صنایع و امور مالی تحمل میکند و بازهم برای بار دوم از طریق اخراج کتلوی و تقلیل دستمزد به پرداخت مجدد آن محکوم اند.

بوسیلهٔ قرضداری های دولتی، مقدار زیادی از پول به دوران اقتصادی بکار بسته میشود و این خود باعث احتکار می گردد. کازینو (قمارخانه) دوباره فعال میگردد و آبله می ترکد و صدای آن بلند تر از آنچه است که ما در گذشته شنیده بودیم.

۳: "هورا، بحران گذشت" ویا بحران مدت زمان بیشتری ادامه خواهد یافت؟

حکومت فدرال و اطلاعات جمعی سعی می‌ورزند تا بحران را وارونه جلوه دهند. طبق ارقام اداره فدرال احصاییه در ربع دوم سال ۲۰۰۹ رشد اقتصادی تزئید ۰/۳ در صد را به مقایسه ربع گذشته نشان میدهد. به گفته برلین سیر نزولی متوقف گردیده است. هر گاهی به دقت مطالعه کنیم می بینیم که رشد اقتصادی در مقایسه با همین ربع سال گذشته (آنچه مقایسه دقیق است، نه مقایسه با یک ربع قبل) به اندازه ۷/۱ در صد کاهش را نشان میدهد. در ربع اول سال ۲۰۰۹ به مقایسه سال گذشته کاهش، ۶/۴ در صد بود. در واقعیت دیده میشود که رشد اقتصادی سیر نزولی دارد و درجه این نزول در مقایسه با ربع اول سال ۲۰۰۹ حتی تشدید هم حاصل نموده است. هرگاهی امور اقتصادی به همین گونه "سلامت" باشد، طوریکه سیاست از برلین موعظه میدارد، در آنصورت در سال ۲۰۰۹ کاهش رشد اقتصادی حدود ۸ درصد، در مقایسه با ارقام رسمی حکومت که ۶ در صد را توصیه میدارد، خواهد بود. و این بحران ادامه بیشتر خواهد داشت، زیرا فکتور های معین برای پیشداوری ها در مطابقت با این مطلب قرار دارد.

۳ - الف تعداد انسان های مصروف به کار تقریباً ۴۰ میلیون است. رکود رشد اقتصادی ۷ درصد، برابر است با تقریباً ۲/۸ میلیون انسان مصروف به کار، که البته ضرورتی به آنان نیست. حتی امروز ۱/۲ میلیون انسان مصروف به کار با پذیرش ساعات کار کمتر شامل پروسه کار هستند که در سال آینده به انجام رسیده و برای اکثریت به معنای برگشت به وظیفه قبلی شان نه، بلکه پیوستن به اردوی بیکاران است. یک سوم همه تأسیسات صنعتی آلمان در سال آینده پلان اخراج کارگران را مطرح میکنند. بیکاری روزافزون کتلوی، فشار بالای دستمزد و معاشات وارد کرده و محدودیت هایی را برای مصرف کننده گان- که در ربع گذشته هنوز "تکانه مثبت" را گواه بود- با خود دارد.

۳- ب ما به هیچ وجه با کدام بحران قابلیت پرداخت (" قیود مالی") نه، بلکه با یک بحران عمیق پرداخت ممکن، مواجه هستیم. در نیمه اول سال ۲۰۰۹ جمعاً ۱۶/۶۵۰ شرکت در آلمان مجبور به افلاس شدند و بطور عموم یک پنجم این شرکت ها، شرکت های کوچک اند. مواضع

سرمایه اجنبی و کریدت های بانک ها در معرض مخاطره شدید قرار دارند. بانک ها کمتر کریدت به دسترس قرار میدهند و شرکت ها به سرمایه گذاری کمتر مبادرت می ورزند.

۳- ج در کشور های دارای بیلانس غیرمتعادل، مصرف کننده گان مجبورند، مصارف را تقلیل داده و بیشتر پس انداز نمایند. آنان ثروت های شان را از دست داده، فیصدی قرضداری های شان بالا گرفته و به همین علت کاهش در تعداد انسان های مصروف به کار گواه آن است. مقدار کمی از دستمزد کاهش یافته برای مصرف اختصاص داده میشود. در ایالات متحده آمریکا فیصدی پس انداز از قریب صفر به ۷ درصد افزایش یافته است.

۳- د مجموع سیستم مالی شدیداً به ضعف مواجه است. با وجودیکه دولت همه نقایص را بر دوش مردم می گذارد و آن را اجتماعی ساخته است ولی با آنهم بانک ها قادر به ارتقای فیصدی سرمایه های خودی نیستند. این عمل باعث کمیاب شدن بیشتر کریدت ها میشود.

۳- و استفاده اعظمی از ظرفیت ها - گذشته از همه در آلمان و ایالات متحده آمریکا زیر رقم ۷۵ درصد پایین آمده است. توان بهره دهی شرکت ها ضعیف گردیده و تکیه زدن به بازار ها قسماً مغشوش، وحتى روبه خرابی است. سرمایه گذاری ها کاهش یافته و مترادف با آن تعداد انسان های مصروف به کار - اندیشیدن به سرمایه گذاری های جدید در کوتاه مدت، برای اکثریت شرکت ها و تأسیسات ممکن نیست.

۳- ز قرضداری های دولتی بطور برق آسا سیر ارتقایی خو درامی پیماید. صرف قرضداری های حکومت فدرال در حدود یک بلیون یورو است. با پرداخت سالانه ۵ در صد سود، بهره سالانه آن بالغ به ۵۰ میلیارد یورو میگردد. برای دولت پرداخت چنین مبالغی باعث "اجبار" در بلند بردن مالیات و صرفه جویی در مصارف اجتماعی و همچنان سرمایه گذاری در بخش های عام المنفعه میگردد. تحویلدهی پول به صاحبان ثروت مالی بالا گرفته و به همان پیمانانه تقاضا های انفرادی و عام المنفعه فروکش نموده است.

۳- ح تعدادی از کشورهای محوری و کشور های رو به انکشاف مضار شدید بحران را احساس میکنند. نرخ کریدت های بیرونی در سال ۲۰۰۹ بالغ به ۱۱/۷ در صد بوده و باعث دو

برابر شدن سود، قبل از بحران گردید. این امر باعث جلوگیری از اخذ کریدت ها شده و در سطح جهانی تقاضا را کاهش می بخشد.

۳ - ط موجودیت تقاضا در سطح بین المللی رابطه مستقیم با عدم توازن نیرو در جهان دارد. کشور هاییکه تولید اضافی دارند، مجبورند تا صادرات شان را کاهش بخشند. ولی سوال اساسی این خواهد بود که این کشورها باید بازار های داخلی خویش را گسترش بخشند تا کاهش صادرات را وسیله شوند. در آلمان بیکاری کتلوی و قرضداری های عامه منجر به محدودیت هایی در بازار داخلی میگردد.

نتیجه گیری: بحران به سنگینی خویش ادامه میدهد و با آن هم در محدوده متوسط زمانی موجودیت تکانه های اندک رشد اقتصادی تا زمانیکه بحران به نقطه آخر خود برسد، ممکن است. اما اکنون نمیتوان از سلامتی عاجل بحران، بلکه از یک مرحله دراز مدت رکود رشد اقتصادی سخن راند. اقتصاد دانها، فریفته الفبای تخیلی پیشداوری های شان هستند. حرف (U) برای آنان به معنای تنزیل رشد اقتصادی است که به آهسته گی پیموده میشود و بالاخره دوباره به پیمودن قوس صعودی خویش می پردازد. حرف (V) برای آنان به معنی رشد اقتصادی است که سریعاً کاهش یافته و به همان پیمانۀ دوباره رشد صعودی دارد. برای آینده نزدیک آلمان حرف (L) را برگزیده اند، بدین معنا که رکود خیلی ها عاجل تحقق می یابد و مدت زمان زیادی را در همین حالت به سر میبرد.

www.ayenda.org